

شماره صفحه : ۱	باسمه تعالی	تعداد صفحات : ۴
نام درس : فارسی ۳	اداره کل آموزش و پرورش استان البرز	مدت امتحان : ۸۵ دقیقه
پایه : دوازدهم تجربی و ریاضی	مدیریت آموزش و پرورش شهرستان کرج ناحیه ۳	تاریخ امتحان : ۹۹/۱۰/۴
نام و نام خانوادگی :	دبیرستان فرزنانگان ۳	ساعت : ۸ صبح
کلاس :	نیسال اول	شماره دانش آموز :
نام دبیر : رهبرزارع		
بارم	*قلمرو زبانی : (۷ نمره)	
۱-۱	معنی واژه های مشخص شده را در جای خالی بنویسید: الف) فایق : برتر ، برگزیده ب) فرض : لازم ، ضروری ، آنچه خداوند بر بنده واجب کرده است پ) مشایعت : افتخار ، سرافرازی ت) مستعجل : زودگذر ، شتابنده ث) تزویر : نیرنگ ، دورویی ، ریاکاری ج) سفله : فرومایه ، بد سرشت	
۱/۵		
۲-۲	معنای واژه «طاق» را در هر یک از ابیات زیر مشخص کنید: الف) <u>طاق</u> پذیر است عشق ، جفت نخواهد حریف / بر نمط عشق اگر پای نهی طاق نه (تک ، مخالف جفت) ب) چون ابروی معشوقان با <u>طاق</u> و رواق است / چون روی پری رویان با رنگ و نگار است (سقف خمیده و محدب)	
۰/۵		
۳-۳	املائی کدام واژه مناسب بیت و عبارات زیر است؟ الف) بگرای چو اژدهای گرز / بخروش چو شرز شیر (ارغند / ارغند) ب) عاکفات کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف واصفان حلیه جمالش به تحیر (منسوب / منصوب) پ) تابستان وصال درست به هنگام می آمد و ما را از (قربت / غربت) زندان شهر به میهن دامن گسترمان می برد.	
۰/۷۵		
۴-۴	کاربرد فعل های مشخص شده را در بیت زیر بررسی کنید : زاهد ظاهر پرست از حال ما آگاه نیست / در حق ما هرچه گوید جای هیچ اکراه نیست فعل اسنادی / به معنی «وجود ندارد» / غیر اسنادی	
۰/۱۵		
۵-۵	بخش حذف شده و نوع حذف را در عبارات زیر مشخص کنید: الف) بنده همان به است که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد . حذف فعل است در جمله اول به قرینه معنوی ب) از جمله نام های حسن یکی جمال است و یکی کمال است حذف فعل به قرینه لفظی	
۰/۱۵		
۶-۶	نقش دستوری واژه های مشخص شده را در عبارت زیر بنویسید : الف) محبت چون به غایت رسد ، آن را <u>عشق</u> خوانند . مسند ب) در پیشگاه اهل خرد نیست <u>محترم</u> مسند هرکس که فکر <u>جامعه</u> را محترم نداشت مضاف الیه پ) صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی <u>چوب</u> نهاد تا شد تهی از خویش و نی <u>اش</u> نام نهادند مفعول	
۱/۲۵		
۷-۷	در گروه های اسمی زیر نوع <u>وابسته های وابسته</u> را مشخص کنید ، بنویسید : قدرت قلم <u>نویسنده</u> ده <u>فرسنگ</u> راه فراز <u>همین</u> برج ها وابسته وابسته (مضاف الیه مضاف الیه) وا . وا . (ممیز) وا . (صفت مضاف الیه)	
۰/۷۵		

صفحه دوم												
۰/۲۵	<p>در کدام گزینه معنای واژه در کمانک رو به روی آن نادرست آمده است ؟</p> <p>الف) همت اگر سلسله جنبان شود مور تواند که سلیمان شود (تلاش و عزم و اراده محکم)</p> <p>ب) همت بدرقه راه کن ای طایر قدس / که دراز است ره مقصد و من نو سفرم (بلند طبیعی) به معنی دعای خیر</p> <p>ج) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست / لیک کس را دید جان دستور نیست (اجازه)</p> <p>د) چه نیکو گفت با جمشید دستور / که با نادان نه شیون ماند و نه سور (وزیر)</p>	۸-										
۱	<p>در بیت « با محتسبم عیب مگویند که او نیز پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است »</p> <p>الف) ضمیر (م) در « محتسبم » مضاف الیه کدام نقش دستوری است ؟ مضاف الیه مفعول</p> <p>ب) « مدام » در بیت بالا به چه معناست و کدام آرایه ادبی را ایجاد کرده است؟ ایهام (همیشه ، شراب)</p> <p>پ) « چو » چه نوع حرفی است ؟ حرف اضافه (به معنی مانند)</p>	۹-										
* قلمرو ادبی (۵ نمره)												
۱۰-	<p>در هر یک از نمونه های ستون «الف» کدام یک از آرایه های گروه «ب» وجود دارد؟ در گروه «ب» یک آرایه اضافه است.</p> <table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <thead> <tr> <th style="width: 15%;">الف</th> <th style="width: 15%;">ب</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>۱- آن شب نیز به نظاره آسمان رفتم و غرق در این دریای معلق که بر آن مرغان الماس پر تک تک از غیب سر زدند . (استعاره)</td> <td>جناس تام</td> </tr> <tr> <td>۲- تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر چهر دلیند (حسن تعلیل)</td> <td>حسن آمیزی</td> </tr> <tr> <td>۳- نی حریف هر که از یاری برید / پرده هایش پرده های ما درید (جناس تام/ همسان)</td> <td>تلمیح</td> </tr> <tr> <td>۴- با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است / مارا فراغتی است که جمشید جم نداشت (تلمیح)</td> <td>حسن تعلیل</td> </tr> </tbody> </table>	الف	ب	۱- آن شب نیز به نظاره آسمان رفتم و غرق در این دریای معلق که بر آن مرغان الماس پر تک تک از غیب سر زدند . (استعاره)	جناس تام	۲- تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر چهر دلیند (حسن تعلیل)	حسن آمیزی	۳- نی حریف هر که از یاری برید / پرده هایش پرده های ما درید (جناس تام/ همسان)	تلمیح	۴- با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است / مارا فراغتی است که جمشید جم نداشت (تلمیح)	حسن تعلیل	
الف	ب											
۱- آن شب نیز به نظاره آسمان رفتم و غرق در این دریای معلق که بر آن مرغان الماس پر تک تک از غیب سر زدند . (استعاره)	جناس تام											
۲- تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر چهر دلیند (حسن تعلیل)	حسن آمیزی											
۳- نی حریف هر که از یاری برید / پرده هایش پرده های ما درید (جناس تام/ همسان)	تلمیح											
۴- با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است / مارا فراغتی است که جمشید جم نداشت (تلمیح)	حسن تعلیل											
۱۱-	<p>در بیت زیر دو آرایه مشخص کنید : (ذکر دو مورد کافیست)</p> <p>دست از <u>مس وجود چو مردان</u> ره بشوی تا <u>کیمیای عشق</u> بیابی و زر شوی</p> <p style="text-align: center;">تشبیه تشبیه تشبیه</p> <p>دست از چیزی شستن (کنایه) / مانند زر شوی (تشبیه) / کنایه از به کمال برسی با ارزش شوی</p> <p>مس ، زر ، کیمیا : مراعات نظیر / تلمیح هم داره : اشاره به ساختن طلا از مس به وسیله کیمیا و اکسیر</p>	۰/۵										
۱۲-	<p>در همه گزینه های زیر آرایه «اسلوب معادله» دیده می شود به جز گزینه</p> <p>۱) عشق بر یک فرش بنشاند گدا و شاه را / سیل ، یکسان می کند پست و بلند راه را</p> <p>۲) هرگز حدیث حاضر غایب شنیده ای؟ / من در میان جمع و دلم جای دیگر است</p> <p>۳) مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد / غنچه خاموش بلبل را به گفتار آورد</p> <p>۴) شانه می آید به کار زلف در آشفستگی / آشنایان را در ایام پریشانی بپرس</p>	۰/۲۵										
۱۳	<p>به غزل هایی که محتوای آنها بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی است ، «غزل اجتماعی» می گویند ؛</p> <p>بنویسید این نوع غزل در کدام دوره رواج یافت ؟ دوره مشروطه</p> <p>شاعری را نام ببرید که در این دوره غزل های اجتماعی می سرود : فرخی یزدی / عارف قزوینی / محمد تقی بهار</p> <p style="text-align: right;">ذکر یک مورد کافیست</p>	۰/۵										
۱۴	<p>متن درس «مست و هوشیار» از جهت شیوه گفت و گو با این دو بیت از خسرو و شیرین نظامی چه اشتراکی دارد این نوع گفت و گو در اصطلاح ادبی چه نام دارد؟ هر دو به شیوه سوال و جواب (مناظره) سروده شده اند</p> <p>نخستین بار گفتش از کجایی / بگفت از دار ملک آشنایی</p> <p>بگفت آنجا به صنعت در چه کوشند / بگفت آنده خرنده و جان فروشند</p>	۰/۲۵										

	صفحه سوم	
۰/۱۵	در عبارت « طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت . » واژه های سجع را بیابید : قربت / نعمت	۱۵-
۰/۲۵	کدام اثر در مقابل نویسنده آن درست ذکر نشده است؟ الف) فیه ما فیه : مولوی ب) مثل درخت در شب باران : شفیع کدکنی (م. سرشک) ج) تمهیدات : شهاب الدین سهروردی د) از پاریز تا پاریس : دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی	۱۶-
۱/۵	بیت های زیر را تکمیل کنید: الف) ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی تا راهرو نباشی ، کی راهبر شوی ب) وجه خدا اگر شودت منظر نظر ج) زین پس شکی نماند که صاحب نظر شوی د) باز آ که در هوایت خاموشی جنونم فریاد ها برانگیخت از سنگ کوهساران	۱۷-
۰/۲۵	مصراع دوم این بیت در کدام گزینه آمده است؟ ای مهربان تر از برگ در بوسه های باران الف) لبخند گاهگاهت ، صبح ستاره باران ب) کاین گونه فرصت از کف دادند بشماران پ) تا در زمانه باقی ست آواز باد و باران ت) بیداری ستاره ، در چشم جویباران	۱۸-
	* قلمرو فکری (۸نمره)	
۰/۷۵	با توجه به نوشته زیر به سوالات پاسخ دهید : یکی از صاحب دلان سر به جیب مراقبت فرو برده و در بحر مکاشفت مستغرق شده بود آن گاه که از این معامله باز آمد، گفت : به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم دامنی پر کنم هدیه اصحاب را . چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت . ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد الف) «سر به جیب مراقبت فرو بردن» کنایه از چیست؟ در حالت تفکر عارفانه قلب را از غیر خدا حفظ کردن یا (توجه عارف به حق و یقین بر این که در همه احوال خداوند عالم بر ضمیر اوست) ب) منظور از «رسیدن به درخت گل» چیست؟ مرحله وصول به حق پ) پروانه « نماد » عاشق واقعی / عاشق بی ادعا است .	۱۹
۰/۱۵	هر یک از عبارات زیر به کدام صفت خدا اشاره دارد؟ پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد (ستار العیوب) و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد . (رزاق بودن خدا)	۲۰-
۰/۱۵	مفهوم مشترک ابیات زیر را بنویسید : هر دو مخاطب را دعوت به قیام و اعتراض (سخن گفتن) می کند و پرهیز از سکوت الف) شو منفجر ای دل زمانه وان آتش خود نهفته میسند ب) دلا خاموشی چرا ؟ چو خم نجوشی چرا؟ برون شد از پرده راز، تو پرده پوشی چرا ؟	۲۱-
۰/۷۵	در بیت « برکش ز سر این سپید معجر بنشین به یکی کی بود اورند » الف) واژه « معجر » به چه معناست؟ روسی ، سرپوش ب) «سپید معجر» استعاره از چیست؟ برف روی قلّه کوه پ) در مصراع اول شاعر از مردم آزادپروان و روشنفکر چه می خواهد؟ ترک انزوا و ترک سکوت در برابر ظلم و استبداد ، ترک سستی و ناتوانی و درماندگی و بی تحرکی / (اشاره به یک مورد کافیست)	۲۲-

صفحه چهارم		
۰/۵	۲۳-	با توجه به بیت «آیین طریق از نفس پیر مغان یافت / آن خضر که فرخنده پی اش نام نهادند» در ادبیات عرفانی منظور از «پیر مغان» کیست؟ عارف کامل و مرشد
۰/۲۵	۲۴-	مفهوم کدام گزینه ها به ترتیب « اشتیاق سیری ناپذیر عاشق» « جاری و ساری بودن عشق در همه ذرات جهان» و «دشوار و پر خطر بودن راه عشق» است؟ الف) آتش عشق است کاندر نی فتاد ب) نی حدیث راه پر خون می کند ج) هر که جز ماهی ز آبش سیر شد جوشش عشق است کاندر می فتاد قصه های عشق مجنون می کند هر که بی روزی است روزش دیر شد (۱) ب، الف، ج (۲) ج، الف، ب (۳) الف، ج، ب (۴) چ، ب، الف
۰/۵	۲۵-	در ابیات « بشنو از نی چون شکایت می کند از جدایی ها حکایت می کند از نیستان تا مرا ببریده اند در نفیرم مرد و زن نالیده اند» منظور از «نی» و «نیستان» چیست؟ نی: مولانا / هر انسان دور افتاده از وطن که خواهان بازگشت به اصل خویش است / نیستان: عالم معنا
۰/۲۵	۲۶-	هر یک از ابیات زیر با کدام عبارت زیر نزدیکی معنایی دارد؟ ۱- وصول به حسن ممکن نشود الا به واسطه عشق (ب) ۲- حیات از عشق می شناس و ممت بی عشق می یاب (پ) ۳- عشق هر کس را به خود راه دهد و به هر جایی مأوا نکند و به هر دیده روی ننماید (الف) الف) آسوده است زاهد خشک از فشار عشق / شهباز، قصد سینه صحرا نمی کند ب) می تواند حلقه بر در زد حریم حسن را / در رگ جان هر که را چون زلف پیچ و تاب هست پ) بی عشق زیستن را جز نیستی چه نام است / یعنی اگر نباشی کار دلم تمام است
۰/۵	۲۷-	عبارت «از بیم عقرب جراره دموکراسی به مار غاشیه حکومت سرهنگ ها پناه ببرند» یاد آور کدام ضرب المثل معروف است؟ از چاله به چاه افتادن
۰/۵	۲۸-	معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید: خانه ای کاو شود از دست اجانب آباد زاشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است خانه و وطنی (کشوری) که به دست بیگانگان (۰/۲۵) آباد شود، باید از اشک ویرانش کرد (باید به حال این مملکت گریست) زیرا این کشور مانند خانه غم (۰/۲۵) است. هر که جز ماهی ز آبش سیر شد هر که بی روزی است روزش دیر شد هر کسی به جز ماهی دریای حق (عاشق) (۰/۲۵) از غوطه خوردن در آب عشق و معرفت حق (۰/۲۵) سیر می شود هر کس از عشق بی بهره باشد (۰/۲۵)، روزگارش بیهوده سپری می شود (۰/۲۵) اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده [خداوند] بر سر شاخه های تازه روئیده درختان (۰/۲۵)، به خاطر آمدن (۰/۲۵) فصل (۰/۲۵) کلاهی از شکوفه (۰/۲۵) نهاده است با جان بودن به عشق در سامان نیست. زنده بودن با عاشقی امکان پذیر و میسر نیست (۰/۲۵)